

The Impact of the Interference of the White Revolution in the Pahlavi Era on the Implementation of the Third Development Program (1962-1968)

Nabi Omid*

Abstract

The third development program is the first comprehensive development program of Iran, which was one of the successful programs of the Pahlavi era. In terms of economic growth, 6% has exceeded the targeted growth rate. The White Revolution or the Revolution of the King and the People was a series of economic and social developments and reforms in Iran that were implemented during the era of Mohammad Reza Pahlavi with the help of the then ministers. The purpose of this research is to investigate the impact of the interference of the White Revolution on the implementation of the third development program. This research is qualitative and has been done by document analysis. The research aims to answer the question of what effect the interference of the White Revolution had on the implementation of the third development program. The White Revolution, which witnessed an increase in principles (from 6 principles to 19 principles) since its approval and implementation, was a grand program with bigger and long-term goals in terms of time and strategy, while the third development program was medium-term (5 years) which had limited goals (6% economic growth) with three fixed strategies (increasing domestic savings, effective use of budget and birth control). Most of the goals and principles of the third development program are included under the principles of the White Revolution, so that there is a great content relationship between the principles of the White Revolution and the third

* Assistant Professor of Management, payame Noor University (PNU), Tehran, Iran, nabiomidi@pnu.ac.ir
Date received: 2022/10/23, Date of acceptance: 2023/02/07



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

development program. Therefore, this two program s are in some way aligned and therefore, although with different titles, they have moved in the same direction. The performance results of the third development program show that its interference with the White Revolution had a positive effect and this interference made the group of influential powers in governance to try to achieve the set goals.

Keywords: Third Development program, White Revolution, Land Reforms, Pahlavi.

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر اجرای برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱ش)

نبی امید*^{*}

چکیده

برنامه عمرانی سوم، اولین برنامه جامع توسعه در ایران است که از برنامه‌ها موفقی دوران پهلوی بود، بطوری که از نظر رشد اقتصادی، شش درصد نسبت به میزان رشد هدف گذاری شده، پیشی گرفت. همزمان با این برنامه، مجموعه اصلاحاتی با عنوان انقلاب سفید یا انقلاب شاه و مردم که مجموعه‌ای گسترده از تحولات و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شد در دوره محمدرضا شاه به اجرا گذاشته شد. هدف این پژوهش مشخص کردن تأثیر تداخل انقلاب سفید با زمان اجرای برنامه عمرانی سوم است. این پژوهش کیفی و به شیوه تحلیل اسناد و مدارک انجام شده است. تحقیق حاضر در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که تداخل انقلاب سفید مشخصاً چه تأثیری بر اجرای برنامه عمرانی سوم داشته است. نتایج نشان می‌دهد انقلاب سفید که از زمان تصویب و اجرا شاهد افزایش اصول مورد توجه (از ۶ اصل به ۱۹ اصل در طول زمان) بود، طرحی کلاتر با اهدافی بزرگتر و از نظر زمانی بلندمدت و از نظر سطح در حوزه راهبردی بود و برنامه عمرانی سوم از نظر زمانی میانمدت (۵ ساله) با اهدافی محدود (رشد اقتصادی ۶ درصد) با راهبردهای ثابت سه گانه (افزایش پس انداز داخلی، استفاده موثر از سرمایه‌ها و تحدید موالید) بود. اکثر اهداف و اصول برنامه عمرانی سوم در چارچوب اصول انقلاب سفید قرار گرفته به نحوی که ارتباط محتوایی زیادی بین اصول انقلاب سفید و برنامه عمرانی سوم وجود دارد. بنابراین این دو طرح به نوعی هم سو بوده و به همین خاطر گرچه با عناوین مختلف اما در یک جهت حرکت کرده‌اند. ارزیابی نتایج عملکرد برنامه عمرانی سوم

* استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، nabiomidi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸



نشان می‌دهد که تداخل آن با انقلاب سفید، تاثیر مثبتی داشته است و این تداخل قدرت‌های تأثیرگذار در حاکمیت را بر آن داشت تا برای تحقق اهداف تعیین شده هر دو طرح تلاش کنند.

کلیدواژه‌ها: برنامه عمرانی سوم، انقلاب سفید، اصلاحات ارضی، پهلوی.

۱. مقدمه

دهه ۱۳۴۰ش از نظر الگو و نظام برنامه‌ریزی، کشور در موقعیتی خاص قرار داشت، بطوری‌که برنامه عمرانی سوم که اولین برنامه ۵ ساله عمرانی (از ۱۳۴۱ش تا ۱۳۴۶ش) بود و با دیگر برنامه‌های قبلی تفاوت بسیار داشت در این مقطع تصویب شد. همچنین برنامه عمرانی سوم، اولین برنامه جامع در نظام برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و عمرانی در ایران است. چند ماه بعد از اجرای برنامه، اصلاحاتی با عنوان انقلاب سفید توسط محمدرضاشاه اعلام و به همه‌پرسی گذاشته شد که مورد موافقت مردم ایران قرار گرفت. اجرای اصلاحات موسوم به انقلاب سفید که بنا بر ضرورت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روابط بین‌الملل بود، تغییرات وسیعی در جامعه ایران به وجود آورد. انقلاب سفید اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گرفت که بین سال‌های ۱۳۴۲ش تا ۱۳۵۷ش به مرور به مرحله اجرا گذاشته شدند (یاراحمدی ۱۳۹۹). به دلیل حرکت سریع ایران برای همانند شدن با کشورهای پیشرفته غربی و استفاده از الگوهای جاری در برنامه‌ریزی توسعه، از طریق دعوت از مشاوران خارجی، زمینه‌های آشنایی نظام برنامه‌ریزی ایران با الگوهای غربی فراهم شد (مک لئود ۱۳۷۹). برنامه عمرانی سوم تأثیرات بسیاری در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران بر جای گذاشت (اکبری و لیلای مهرآبادی ۱۳۸۹) همزمان اصلاحات ارضی که مهمترین اصل از اصول انقلاب سفید بود، باعث ایجاد روندهای مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد. در این پژوهش تلاش شده است به مشخص کردن تاثیر تداخل انقلاب سفید با زمان اجرای برنامه عمرانی سوم پرداخته شود.

تحولات پیاپی سیاسی همواره در مسیر طرح‌های توسعه ایران قرار گرفته است. ایران یکی از باسابقه‌ترین کشورها در برنامه‌ریزی توسعه است. برنامه‌های مدون در دوره سلطنت محمدرضاشاه و از سال ۱۳۲۷ش آغاز شد و تا سال ۱۳۵۷ش ادامه داشت (خلجی و همکاران، ۱۳۹۸). گرچه نظام برنامه‌ریزی در ایران از منظر تاریخی دارای قدمت فراوانی می‌باشد اما تلاش‌ها برای برنامه‌پذیر کردن توسعه اقتصادی و تفکر برنامه‌ریزی در ایران در شکل نوین آن از سال‌های آغازین دوره پهلوی (قرن چهاردهم شمسی) آغاز شد و سال ۱۳۱۶ش بعنوان

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۳۱

شروع زمینه‌های اجرایی برنامه‌ریزی در کشور به شمار می‌رود. برنامه عمرانی سوم در دوره محمدرضاشاه، یکی از موفق‌ترین برنامه‌های توسعه (در قبل و بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ش) در ایران می‌باشد که باعث ایجاد تأثیرات متعددی در کشور شد، اجرای این برنامه با اصلاحاتی به نام انقلاب سفید تداخل یافت. سؤال پژوهش حاضر این است که تداخل انقلاب سفید مشخصاً چه تأثیری بر اجرای برنامه عمرانی سوم داشته و این تأثیر در چه جهتی بوده است.

این پژوهش، پژوهشی کیفی است که به شیوه تحلیل اسناد و مدارک انجام شده است. اسناد در مقوله پارادایم‌های متنی قرار دارند که بخش جدانشدنی از سیستم‌ها و ساختارهای دیگر در سازمان هستند (آذر و امیرخانی ۱۳۹۵: ۵۹۰-۵۷۱). بدین طریق که فهم مسائل خاص را تعریف کرده و رفتارها و روش‌های گوناگون انجام امور را توصیف می‌کنند. از این رو اطلاعاتی که این اسناد در اختیار پژوهشگران می‌گذارند جامع‌تر از اطلاعاتی است که پژوهشگران از طریق مصاحبه یا پرسشنامه به دست می‌آورند. در این پژوهش برای تحلیل مستندات از روش هرمونتیک استفاده شده است در ادامه بر اساس گام‌های این روش (دانایی فرد و همکاران ۱۳۸۳: ۱۹۲)، پرداخته می‌شود.

۱. دسترسی به داده‌های اطلاعاتی: برای داده‌های اطلاعاتی این مقاله از مجموعه کتاب‌ها،

مقاله‌ها و مجله‌ها (گزارش‌ها) معتبر در حوزه برنامه و توسعه در ایران استفاده شده است.

۲. بازمینی اعتبار داده‌های اطلاعاتی: از آنجا که منابع استفاده شده از مقالات معتبر چاپ

شده در نشریات دارای اعتبار وزارت علوم کشور و نیز مجله‌ها و کتاب‌های مرجع و مستند بوده است، منابع داده‌های اطلاعاتی از اعتبار مناسبی برخوردار بوده‌اند.

۳. درک و فهم اسناد و تجزیه و تحلیل داده‌های اطلاعاتی: بدین منظور در پژوهش حاضر

به تشریح انقلاب سفید و برنامه عمرانی سوم پرداخته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

یاراحمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان انقلاب سفید و گسترش نظام آموزش عالی (چالش‌ها و تعارض‌ها) تلاش داشته است با رویکرد توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از داده‌های آماری گسترش مراکز آموزش عالی و چالش‌های درونی ناشی از این اصلاحات را در دوره زمانی ۱۳۴۲-۱۳۵۷ش مورد بررسی قرار دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به موازات رشد کمی مراکز آموزش عالی و به تبع آن گسترش قابل توجه قشر تحصیل کرده، به دلیل تعارض و

چالش‌ها بی که بین دانشگاهیان و حکومت وجود داشت، اقشار تحصیل کرده جایگاه درخور توجهی در مشارکت سیاسی و اجتماعی به دست نیاورند. به همین دلیل باوجود تلاش حکومت برای جذب و کنترل دانشگاهیان، این گروه به مخالفت با سلطنت پهلوی پرداختند.

آبادیان (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران به بررسی علل و عوامل و نتایج مهاجرت های روستایی به شهر تهران در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی می‌پردازد و نقش عامل اصلاحات ارضی را در این زمینه مورد بحث قرار می‌دهد. این پژوهش نشان داده که برنامه‌ریزی‌های نامتوازن توسعه اجتماعی، تضعیف اقتصاد کشاورزی، به همراهی بی‌توجهی به روستا و تأکید بیش از حد بر گسترش، عمران و نوسازی بافت‌های شهری تهران، نقشی کلیدی در این مهاجرت‌ها ایفا کرده است. یکی از نتایج این موضوع، زایش و گسترش پدیده حاشیه نشینی در شهر تهران بود که پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی بر جای گذاشته است.

خرمشاد و موسی نژاد (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان، دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو، به بررسی نظریه توسعه روستو و تطبیق آن با فرآیند اجرای اصلاحات ارضی و توسعه روستایی در ایران پرداخته است. این مطالعه نتیجه گیری می‌کند مقابله با نفوذ شوروی و ادغام ساختار سیاسی و اقتصادی ایران در نظام سرمایه‌داری دو هدف عمده اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی بود که نهایتاً موجب مهاجرت روستائیان به شهر گردید.

ایزدی و اینانلو (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان بررسی پیامدهای برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران نتیجه‌گیری می‌کنند که توجه عمده به توسعه اقتصادی و پروژه‌های عمرانی بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و بی‌توجهی به خواسته‌های طبقات مختلف اجتماعی زمینه‌های اقتصادی داشته و بعدها به خواسته‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی همراه شده و بستر لازم برای شکل‌گیری تحولات سیاسی اجتماعی را در جامعه ایران فراهم نمود.

لیلاز (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان موج دوم؛ تجدیدسازی آمرانه در ایران، به بررسی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم عمرانی در فصول جداگانه پرداخته است. کتاب در پی یافتن نقش برنامه‌های سوم تا پنجم در رویدادهای منتهی به انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌باشد و می‌خواهد بیابد که سهم هر یک از برنامه‌ها، روح حاکم بر برنامه‌ها و نیز انحراف از برنامه‌ها در شکست پروژه نوسازی اقتصادی-اجتماعی ایران چه بوده است؟ نویسنده معتقد است برنامه سوم عمرانی در بیشتر اهداف خود نه تنها توفیق یافت بلکه در حوزه‌هایی مانند رشد اقتصادی، رشد

صنعتی، پایه گذاری بنیان‌های صنعتی ایران و از همه مهم‌تر اصلاحات ارضی و بردن پیشروترین اقشار و گروه‌های شهرنشین به روستاها از طریق تشکیل سپاهیان دانش و بهداشت از اهداف پیش‌بینی شده جلو افتاد و تحولاتی بسیار مهم (گرچه نه الزاماً مثبت از نظر حفظ ثبات اجتماعی در دوره های بعد) در همه ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایران پدید آورد.

امیدی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مولفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی نتیجه‌گیری می‌کند متغیرهای زمینه‌ای محیط سیاست‌گذاری، تأثیر اساسی بر متغیرهای ماهیتی و ساختاری دارند همچنین برنامه‌ریزی در ایران به لحاظ روش و فرایند تدوین، اجتماعی نشده است و اهداف اجتماعی نیز یا عنوان ابزار رشد اقتصادی و به عنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از سیاست‌های مبتنی بر رشد اقتصادی مدنظر قرار داشته‌اند.

اکبری و لیلز مهرآبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر برنامه عمرانی سوم در کشاورزی ایران با بهره‌گیری از اسناد و آمارهای رسمی منتشرشده پیرامون طرح و اجرای برنامه عمرانی سوم بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ش و تأثیرات آن و نیز اجرای طرح اصلاحات ارضی بر بخش کشاورزی ایران و آثار پیامدهای آن بر ساختارهای جمعیتی کشور، تلاش کرده‌اند جهت‌گیری اصلی برنامه و اصلاحات ارضی در بخش کشاورزی و میزان تحقق آن را مورد بررسی قرار دهند. آنان بیان می‌کنند اصلاحات ارضی و برنامه‌ریزی علمی اقتصادی به شکل نوین آن، ساختارهای سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی ایران را دگرگون کرد.

احمد اشرف (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی، با اشاره به فشارهای مختلفی که در خصوص انجام اصلاحات بر محمدرضاشاه وارد شد، اساساً بنیان تفکر مبتنی بر انجام اصلاحات را در بیرون از حاکمیت در ایران قلمداد می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد گرچه انقلاب سفید به بنیان‌های سنتی اقتدار پاتریمونیالیسم (patrimonialism) (سلطه موروثی؛ علما، بازار، زمینداران) که ارتباطی الیگارشویی (oligarchie) (حکومت گروهی کوچک) پیشین بین آن‌ها و توده‌های شهری، روستایی و قبیله‌ای برقرار می‌کردند، خاتمه داد؛ اما منجر به شکل‌گیری اتحادهای انقلابی جدیدی شد.

در مطالعات و تحقیقات پیشین، زوایای برنامه عمرانی سوم و انقلاب سفید بصورت مستقل و جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در قسمتی دیگر از مطالعات، به نقش عوامل بین‌المللی در اعلام انقلاب سفید پرداخته شده است. ویژگی متمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر مطالعات انجام گرفته، مشخص کردن تأثیر تداخل انقلاب سفید بصورت خاص بر برنامه

عمرانی سوم در دوره سلطنت محمدرضا شاه است که در مطالعات پیشین به آن پرداخته نشده است.

۳. انقلاب سفید

اجرای اصلاحات موسوم به انقلاب سفید که بنابر ضرورت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روابط بین به اجرا درآمد، تغییرات وسیعی در جامعه ایران به وجود آورد. انقلاب سفید شامل اصلاحاتی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود که بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ش به مرور به مرحله اجرا گذاشته شدند (پاراحمدی ۱۳۹۹: ۲). اصلاحات ارضی مهمترین طرح تحول اجتماعی در زمان سلطنت محمدرضا شاه بود که از اوایل دهه ۱۳۴۰ش با جدیت در دستور کار قرار گرفت. محمدرضا شاه و دولت امینی که مسئولیت اجرای این طرح را بر عهده داشتند با الهام از افکار مورخ اقتصادی برجسته آن عصر آمریکا یعنی والت ویتمن روستو (Walt Whitman Rostow) به دنبال پیاده‌سازی توسعه در ایران بودند (خرمشاد و موسی نژاد ۱۳۹۶: ۱۷۴-۱۴۵). نظریه‌ی رشد اقتصادی روستو از نوع نظریه‌های تک‌خطی در نوسازی بوده و یکی از بانفوذترین و رایج‌ترین دیدگاه‌ها در قبال توسعه می‌باشد. روستو با تدوین کتاب «مراحل رشد اقتصادی؛ مانیفست غیرکمونستی» سعی کرد نظریه‌ی رشد پنج مرحله‌ای خود را بدیل نظریه مارکس قرار دهد (مولانا ۱۳۷۱: ۹۱). این دیدگاه به پنج مرحله اشاره می‌کند:

۱. جامعه‌ی سنتی؛

۲. شرایط ماقبل جهش اقتصادی؛

۳. جهش اقتصادی؛

۴. تمایل به سوی کمال؛

۵. سطح بالای مصرف.

برپایه این نظریه رشد یکنواخت درآمد سرانه بویژه طی مرحله‌ی جهش اقتصادی از طریق مکانیزم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ظهور یک چهارچوب سیاسی و اجتماعی که بتواند از انگیزه‌های گسترش بهره‌برداری کند با تأکید بر میل و خیز به سوی کمال منجر به توسعه می‌شود. دلیل گرایش محمدرضا شاه به این نظریه علاوه بر علاقه‌مند بودن به شیوه پیشرفت کشورهای غربی، حمایت آمریکا از فراگیر شدن این نظریه در نقاط مختلف جهان برای جلوگیری از سقوط جهان سوم در ورطه کمونیسم بود چراکه در این نظریه روستو مراحل

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۳۵

پنج‌گانه‌ای را برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته توصیه می‌کرد که در صورت اجرا، آن‌ها را به ارزش‌های غربی نزدیک و در نتیجه از ایدئولوژی شرقی مارکسیستی دور می‌کرد. استفاده از این نظریه در ایران و کاربست آن در متون اجتماعی و سیاسی و ورود تدریجی آن به ادبیات سیاسی کشور، خود مقدمه‌ای برای توجه به مباحث توسعه بود. (خرمشاد و موسی نژاد ۱۳۹۶: ۳۰-۱). همچنین به نظریه‌پردازی شدن ۲ برنامه هفت‌ساله (برنامه اول و دوم عمرانی) و قرار گرفتن کشور در موقعیتی مناسب برای جهش اقتصادی و نیز اهداف برنامه عمرانی سوم و انقلاب سفید (بخصوص اصل اصلاحات ارضی) در انتخاب این نظریه بی‌تأثیر نبوده است چون روستو برای نقش چندجانبه کشاورزی پویا در تسریع صنعتی شدن اهمیت قائل بود و عقیده داشت که این نوین‌سازی زندگی روستایی، ثبات سیاسی و اجتماعی به‌همراه خواهد داشت.

انقلاب سفید در مرحله نخست، پیشنهادی شامل شش اصل بود که محمدرضا شاه در کنگره ملی کشاورزان در تهران و در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۴۱ ش خبر اصلاحات و همه‌پرسی را برای پذیرش یا رد آن به کشاورزان و عموم مردم ارائه داد. در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱ ش، همه‌پرسی با حضور زنان که برای اولین بار اجازه رأی یافته بودند، برگزار شد، مردم به اصلاحات (انقلاب سفید) رأی مثبت دادند (۵۵۹۸۷۱۱ نفر رأی مثبت و ۵۲۱۰۰۸ رأی منفی) محمدرضا شاه این اصلاحات را انقلاب سفید نامید زیرا انقلابی مسالمت‌آمیز و بدون خونریزی بود (ر.ک: جدول شماره ۳).

جدول (۱). اصول نخستین (۶گانه) انقلاب سفید

اصول انقلاب سفید	عنوان قانون مربوطه	تصویب قانون مربوطه
اصل اول: اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب رعیتی	قانون مربوط به اجازه اجرای آیین‌نامه قانون اصلاحات ارضی پس از تصویب کمیسیون مشترک مجلسین	مصوب ۷ خرداد ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی و ۱۳ خرداد ۱۳۴۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضا شاه رسید.
اصل دوم: ملی کردن جنگل‌ها و مراتع	قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع	مصوب ۲۰ تیر ۱۳۴۶ مجلس شورای ملی و ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۴۶ به توشیح محمدرضا شاه رسید.
اصل سوم: فروش سهام کارخانه‌ها دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی	قانون تأسیس شرکت سهامی کارخانه‌های ایران و فروش سهام	مصوب ۳ مرداد ۱۳۴۴ مجلس شورای ملی و ۲۸ تیر ۱۳۴۴ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۴۴ به توشیح محمدرضا شاه رسید.

اصول انقلاب سفید	عنوان قانون مربوطه	تصویب قانون مربوطه
اصل چهارم: سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها	قانون راجع به اضافه کردن چند تبصره به مواد قانون سهم کردن کارگران	مصوب ۸ اردیبهشت ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی و ۱۸ خرداد ۱۳۴۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل پنجم: اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور دادن حق رای به زنان و حقوق برابر سیاسی با مردان	قانون شرکت بانوان در انتخابات	مصوب ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی و ۳۱ فروردین ۱۳۴۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
	قانون تشکیل انجمن های شهرستان و استان	مصوب ۲۴ خرداد ۱۳۴۹ مجلس شورای ملی و ۳۰ خرداد ۱۳۴۹ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱ تیر ۱۳۴۹ به توشیح محمدرضاشاه پهلوی رسید.
اصل ششم: ایجاد سپاه دانش	قانون راجع به پذیرفتن فارغ التحصیلان دیپلمه داوطلب خدمت در ارتش و سپاه دانش	مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی؛ و ۹ بهمن ۱۳۴۲ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.

منبع: جمع بندی و گردآوری توسط محقق

هر یک از این اصول (و اصولی که بعدها اضافه گردید) دارای زیرمجموعه‌هایی متشکل از قوانین، ماده‌ها، تبصره‌ها و بندها و همچنین آئین‌نامه‌های اجرایی خاص بودند که به مهمترین آن‌ها در جداول ۱ و ۲ اشاره شده است. اصل‌های دیگر در سال‌های بعد افزوده شدند. مجموع اصول (قبل و بعد از همه‌پرسی) به ۱۹ اصل رسید.

جدول (۲). اصول اضافه شده به انقلاب سفید

اصول اضافه شده	قانون مربوطه	تصویب قانون
اصل هفتم: ایجاد سپاه بهداشت	قانون تشکیل سپاه بهداشت	مصوب ۲۰ بهمن ۱۳۴۲ مجلس شورای ملی و ۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضاشاه پهلوی رسید.
اصل هشتم: ایجاد سپاه ترویج و آبادانی	قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی	مصوب ۲۲ دی ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی و ۱۶ دی ۱۳۴۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۴۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل نهم: ایجاد خانه‌های انصاف و شوراهای داوری	قانون تشکیل خانه انصاف	مصوب ۲۲ فروردین ۱۳۴۴ مجلس شورای ملی و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۴ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۴ به توشیح محمدرضاشاه رسید.

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۳۷

اصول اضافه شده	قانون مربوطه	تصویب قانون
	<u>قانون تشکیل شورای داوری</u>	مصوب ۹ تیر ۱۳۴۵ مجلس شورای ملی و ۳۰ خرداد ۱۳۴۵ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۴۵ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل دهم: ملی کردن آب‌های کشور	<u>قانون آب و نحوه ملی شدن آن</u>	مصوب ۲۷ تیر ۱۳۴۷ مجلس شورای ملی و ۱۲ تیر ۱۳۴۷ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۴۷ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل یازدهم: نوسازی شهرها و روستاها با کمک سپاه ترویج و آبادانی	<u>قانون نوسازی و عمران شهری</u>	مصوب ۷ آذر ۱۳۴۷ مجلس شورای ملی و ۲۷ آبان ۱۳۴۷ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۴۷ به توشیح محمدرضاشاه پهلوی رسید.
اصل دوازدهم: انقلاب اداری و انقلاب آموزشی	<u>قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی</u>	مصوب ۱۲ تیر ۱۳۴۷ مجلس شورای ملی و ۱۷ تیر ۱۳۴۷ مجلس سنا.
اصل سیزدهم: فروش سهام به کارگران واحدهای بزرگ صنعتی یا قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی	<u>قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی</u>	مصوب ۲۶ خرداد ۱۳۵۴ مجلس سنا و ۳ تیر ۱۳۵۴ مجلس شورای ملی.
اصل چهاردهم: مبارزه با تورم و گران‌فروشی و دفاع از منافع مصرف‌کنندگان	<u>قانون تأسیس صندوق حمایت مصرف‌کننده</u>	مصوب ۶ مرداد ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی و ۱۲ مرداد ۱۳۵۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل پانزدهم: تحصیلات رایگان و اجباری	<u>قانون اصلاح قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب مرداد ماه ۱۳۲۲</u>	مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ مجلس شورای ملی و ۲۹ خرداد ۱۳۵۰ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲ تیر ۱۳۵۰ به توشیح محمدرضاشاه پهلوی رسید.
اصل شانزدهم: تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدرسه‌ها و تغذیه رایگان شیرخوارگان تا دو سالگی با مادران	<u>قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی</u>	مصوب ۳۰ تیر ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی و ۱۷ تیر ۱۳۵۳ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۵۳ به توشیح محمدرضاشاه رسید.
اصل هفدهم: پوشش بیمه های اجتماعی برای همه ایرانیان	<u>قانون بیمه‌های اجتماعی روستاییان</u>	مصوب ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۸ مجلس شورای ملی و ۲۰ فروردین ۱۳۴۷ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۸ به توشیح محمدرضاشاه پهلوی رسید.
اصل هجدهم: مبارزه با معاملات سوداگرانه زمین‌ها و اموال غیرمنقول		
اصل نوزدهم: مبارزه با فساد، رشوه‌گرفتن و رشوه‌دادن		

منبع: جمع‌بندی و گردآوری توسط محقق

۴. برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱ش)

چنانچه از نام برنامه عمرانی سوم پیداست، نخستین تجربه برنامه‌ریزی نبود، اما با تکیه بر دو برنامه پیش از خود در واقع نخستین برنامه جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی ایران به شمار می‌آید (اکبری و لیلایمهرآبادی ۱۳۸۹: ۲۲-۱). برنامه‌عمرانی اول (تصویب بهمن ۱۳۲۷ش) و برنامه‌عمرانی دوم (تصویب اسفند ۱۳۴۴ش) دوران شروع و تثبیت تدوین برنامه توسعه در زمان پهلوی و در تاریخ ایران به شمار می‌رود. این برنامه‌های هفت‌ساله گرچه به نتایج مورد انتظار نرسیدند اما از آن جهت که آغازگر تحول در نظام برنامه‌ریزی کشور بودند از جایگاه خاصی برخوردار هستند. بصورتی که تاس.اچ. مک لئود (Thos. H. McLeod) سرپرست اجرایی گروه مشاوران هاروارد (گروه دوم) که برای کمک به تدوین برنامه عمرانی سوم و کمک به سازمان برنامه به ایران آمده بودند در کتاب خود با عنوان برنامه‌ریزی در ایران براساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران در تهیه برنامه عمرانی سوم، بیان می‌کند: گزارش بازنگری برنامه دوم (که توسط گروه اول مشاوران هاروارد تهیه شده بود) به روشن‌ترین شکل، رسیدن برنامه‌ریزان به اندیشه جامعیت را در برنامه سوم بروز داد (هر چند گروه دوم مشاوران چندان با جامعیت برنامه موافق نبوده‌اند، اما خود را ملزم به ادامه کار گروه اول می‌دانستند). این بازنگری که بعنوان نقطه آغاز منطقی تهیه برنامه عمرانی سوم انجام شد در اسفند ۱۳۳۹ پس از بیش از یک‌سال کار تحلیلی عمیق به پایان رسید و نتایج آن عملاً مبنای تهیه برنامه عمرانی سوم قرار گرفت. اسناد برنامه سوم نیز با عنوان چارچوب‌های برنامه در تابستان ۱۳۴۰ش منتشر شد، در این بازنگری بطور خلاصه نتیجه‌گیری شده است که کاستی‌های برنامه دوم را به پیچیدگی‌های برنامه‌ریزی، کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و عوامل نهادی می‌توان نسبت داد. در واقع، هنگامی که یافته‌های این بازنگری به‌شکل چنین مجمل و حتی عریان ارائه شدند به نظر می‌رسید که نشانگر موانع اساسی در برابر اجرای هر نوع برنامه عمرانی جامع و ملی باشد. (مک لئود ۱۳۹۸: ۲۹).

برنامه عمرانی سوم (تصویب شهریور ۱۳۴۱ش) از برنامه‌های موفق دوره محمدرضاشاه بود. بطوریکه برنامه عمرانی سوم بعنوان اولین برنامه جامع توسعه در ایران، با وجود تداخل با برنامه انقلاب سفید، از نظر رشد اقتصادی، شش درصد نسبت به میزان رشد هدف‌گذاری شده، پیشی گرفت. در برنامه اول و دوم عمرانی مدل و الگوی خاصی به منظور برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف برنامه‌ها مورد توجه قرار نگرفته بود اما در برنامه عمرانی سوم از الگوی رشد اقتصادی هاروارد-دومار (Harrod - Domar) پیروی شد. این مدل از مهم‌ترین نظریه‌های رشد

مبتنی بر نظریات کینز (Keynes) می‌باشد که طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م نظریه غالب در اقتصاد جهانی بود. مدل هارود-دومار، رشد اقتصادی را منوط به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌کند. اقتصاد باید نسبت معینی از تولید ناخالص ملی خود را پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کند و هر چه پس‌انداز بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری بیشتر بوده و در نتیجه رشد اقتصادی تحقق می‌یابد. این مدل، مانع اصلی رشد و توسعه کشورها را سطح پایین تشکیل سرمایه (سرمایه‌گذاری) می‌داند و از این رو اقتصاددانان با استفاده از این مدل، بر استفاده و تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی جهت بالا بردن سطح تشکیل سرمایه، تأکید کرده‌اند. آنان بر این عقیده‌اند که سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در کاهش شکاف بین پس‌انداز ملی و تشکیل سرمایه ایفا می‌کند و همچنین سرریز کمک‌های فنی و تخصصی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه را به همراه دارد (قره باغیان ۱۳۸۰: ۱۴). این برنامه با توجه به شناخت و تشخیصی که از عدم هماهنگی بین فعالیت‌های مختلف در برنامه عمرانی دوم و همچنین درکی که از ضرورت وجود یک دیدگاه جامع در برنامه حاصل شده بود تدوین گردید. مشکلات اقتصادی سال‌های اجرای برنامه عمرانی دوم موجب شد که توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی کشور به عنوان هدف ملی شناخته شود و برنامه‌ریزان به این نتیجه برسند که با توجه به نقش پررنگ نفت و به تبع آن دولت در اقتصاد، بهبود وضع مردم فقط از طریق برنامه‌های اقتصادی امکان‌پذیر است. بدین منظور در برنامه عمرانی سوم، رشد درآمد ملی حداقل به میزان ۶ درصد همراه با ثبات اقتصادی، بعنوان هدف اصلی تعریف شد (نیلی و کریمی ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۱). طبق مطالب ارائه شده در گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم، سه راهبرد اساسی برای رسیدن به هدف رشد ۶ درصدی بیان می‌شود:

۱. افزایش پس‌انداز داخلی برای رساندن سهم سرمایه‌گذاری از تولید ملی به ۱۸ درصد؛
۲. استفاده موثر از سرمایه‌ها (اصلاحات اداری و سازمانی و اصلاحات مربوط به روابط اجتماعی)؛

۳. تحدید موالید (گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۰).

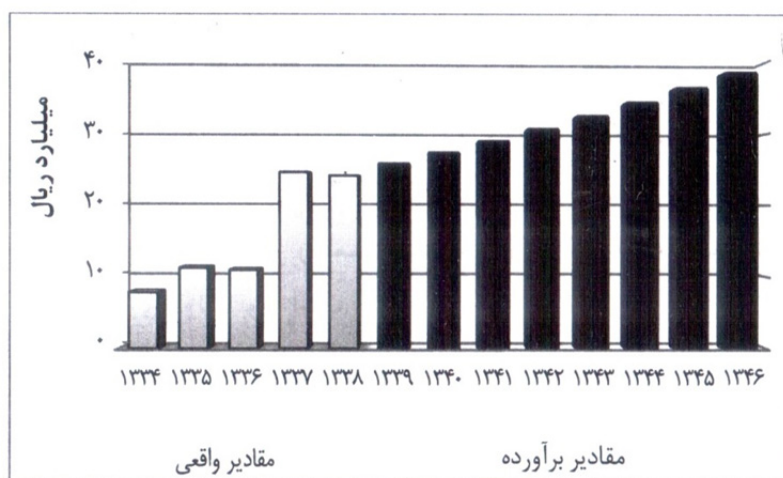
در مورد راهبرد اول برنامه، علیرغم آن‌که در گزارش مقدماتی میزان سرمایه‌گذاری عمرانی دولت ۱۹۰ میلیارد ریال بود این مبلغ در قانون برنامه سوم به ۲۳۰ میلیارد افزایش یافت (ر.ک: جدول شماره ۳).

جدول (۳). میزان تخصیص اعتبارات عمرانی به بخش های مختلف در گزارش مقدماتی و قانون برنامه سوم توسعه عمرانی (میلیارد ریال)

هزینه های عمرانی	خصوصی	دولتی	جمع
طبق گزارش مقدماتی برنامه	۱۵۸	۱۹۰	۳۴۸
طبق قانون برنامه	۱۵۸	۲۳۰	۳۸۸

منبع: گزارش مقدماتی برنامه سوم توسعه عمرانی و قانون برنامه سوم

در برنامه عمرانی سوم منابع تامین سرمایه گذاری دولتی از سه محل، ۱. پس انداز دولت (درآمد منهای هزینه های عادی) به مبلغ ۱۳۰ میلیارد ریال، ۲. وام از بانک مرکزی به مبلغ ۷/۳ میلیارد ریال و ۳. وام های خارجی و کمک های بلاعوض، برآورد گردید. محل تامین سرمایه گذاری خصوصی، پس انداز خصوصی است. با تعریف پس انداز خصوصی به صورت مجموع هزینه های عمرانی خصوصی و پس انداز خصوصی که توسط دولت مصرف شده منهای سرمایه های خارجی وارد شده به کشور در بخش خصوصی، مشاهده میشود که نسبت پس انداز خصوصی به تولید ملی در سال ۱۳۳۸ حدود ۱۰/۵ درصد است.



شکل (۱). پس انداز داخلی خصوصی به قیمت جاری

منبع: برآورد تولید ناخالص داخلی ایران (پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی)

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۴۱

با محاسبه مجموع مقادیر پس انداز داخلی خصوصی، مشاهده می‌شود که کل پس‌انداز خصوصی برآورد شده در طول برنامه عمرانی سوم ۱۹۹ میلیارد ریال بوده که پاسخگوی سرمایه‌گذاری خصوصی به میزان ۱۵۸ میلیارد ریال بوده است. راهبرد دوم برنامه عمرانی سوم برای رسیدن به رشد اقتصادی ۶ درصد، استفاده موثر از سرمایه‌ها یعنی ایجاد اصلاحات اداری و سازمانی و اصلاحات مربوط به روابط اجتماعی در جهت افزایش بهره‌وری بوده است، چراکه قبل از اجرای برنامه ناکارآمدی‌های زیر وجود داشته است:

- عدم استفاده مطلوب از سرمایه‌های موجود از قبیل نیروی انسانی، راه‌ها و بعضی واحدهای صنعتی؛

- ناتوانی تشکیلات و سازمان‌های اداری در ایفای وظایف محوله؛

- تخصیص بخش زیادی از اعتبارات به ساختن سد و عدم توجه به برنامه‌های ترویج و توسعه کشاورزی (نیلی و کریمی ۱۳۹۶: ۱۴۱).

به اعتقاد برنامه‌ریزان برنامه عمرانی سوم سرمایه‌گذاری عمرانی شرط لازم برای رشد است (و نه شرط کافی) زیرا کفایت و حسن عمل دستگاه‌ها و سازمان‌های تولیدی اهمیت بسیار زیادی در رشد اقتصادی دارد. از جمله اهداف و ابزارهای مهم برنامه عمرانی به منظور بهبود شرایط فوق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش استفاده از سرمایه‌های نیمه فعال از طریق ایجاد تقاضا؛

- استفاده از دانش روز و فناوری‌های پیشرفته (همچون بهبود بذر کشاورزی)؛

- توسعه سریع‌تر بخش خدمات دولتی؛

- افزایش اعتبارات اختصاص یافته به امور اجتماعی از ۱۸ درصد در برنامه عمرانی دوم به ۴۰ درصد کل اعتبارات در برنامه سوم عمرانی؛

- توجه ویژه به توسعه نیروی انسانی (قانون برنامه سوم توسعه عمرانی، ۱۳۴۱ ش).

سومین راهبرد مهم برنامه عمرانی سوم جهت رسیدن به هدف رشد ۶ درصد، تحدید موالید بود. طبق سرشماری سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور بالغ بر ۱۸.۹ میلیون نفر بوده است. تولد در هر هزار نفر ۴۵ نفر و مرگ و میر در هر هزار نفر ۱۹ نفر و در نتیجه رشد جمعیت به ازای هر هزار نفر، ۲۶ نفر برآورد شده است که به معنای رشد ۲/۶ درصدی جمعیت است. این میزان مرگ و میر در مقایسه با کشورهای کم رشد نیز قابل توجه بوده است. در برنامه عمرانی سوم

تصمیم گرفته شد که با تعمیم بهداشت، مرگ و میر کاهش یابد و از آن طرف نیز کاهش موالید صورت گیرد و از این طریق رشد جمعیت در حدود ۲/۵ درصد هدف گذاری شد.

۵. تداخل انقلاب سفید با اجرای برنامه عمرانی سوم

برخی صاحب نظران معتقدند نکته‌ی مهمی که در دوره انقلاب سفید وجود داشت این بود که انقلاب نه به دلیل تقاضاها و یا فشار روستائیان، یا از آن بالاتر به دلیل خواسته‌های طبقه متوسط؛ بلکه به دلیل فشارهای تیم کندی صورت گرفت؛ معنی این جملات آن است که دهقانان و یا طبقه متوسط شهری، در این امر شرکت مستقیم نداشتند. بصورتیکه امریکا حاکمیت ایران را تحت فشار گذاشت تا برای ممانعت از نفوذ کمونیسم اصلاحاتی در زمینه تقسیم اراضی به نفع روستائیان انجام دهد (هوگلاند، ۱۴۰۰: ۴۲). در سال ۱۳۴۱ش بعنوان سال شروع برنامه عمرانی سوم، در آمریکا حزب دمکرات قدرت را در دست داشت و جان فیتزجراد کندی (جان اف کندی) (John Fitzgerald Kennedy) رئیس جمهور آمریکا شده بود که ایران چندان از این قضیه خشنود نبود. در آن زمان هنوز کسانی از دانشگاه هاروارد (Harvard University) آمریکا در سازمان برنامه حضور داشتند و در تدوین برنامه نقش ایفا می کردند. محمدرضاشاه هم از روابط خوب این گروه با کندی مطلع بود (نیلی و کریمی ۱۳۹۶: ۶۶-۶۵). بطوری که عبدالمجید مجیدی و خداداد فرمانفرمائیان از مدیران سازمان برنامه نقل می کنند این افراد آمریکایی که از هاروارد آمده بودند بعد از روی کار آمدن کندی قدرت بیشتری گرفتند و حرف هایشان از لحن توصیه خارج شد و رنگ و بوی تکلیف در اجرا به خود گرفت. از این منظر اعتماد حاکمیت به سازمان برنامه مشکوک شده و اعتماد محمدرضاشاه به حداقل رسیده بود (گودرزی، مجیدی و فرمانفرمائیان ۱۳۸۱: ۳۴۶-۳۴۷). به همین دلیل شاه برای برنامه عمرانی سوم ارزش زیادی قائل نمی شد. به طوریکه ۶ ماه بعد از تصویب برنامه عمرانی سوم، اصول شش گانه انقلاب سفید اعلام شد که هیچ کدام از موارد آن در برنامه سوم وارد نشده بود. بعنوان مثال درباره اصلاحات ارضی قبلا در سازمان برنامه بحث گردید و حتی در مورد روش های واگذاری زمین ها گزارش تهیه شده بود اما شاه توجهی به آن نشان نداد. مجیدی چنین اظهار می کند که قبل از نهایی شدن برنامه سوم عمرانی، در پیشنهاد های دفتر اقتصادی سازمان برنامه و گروه مشاوران هاروارد، اجرای اصلاحات ارضی را پیش بینی کرده بودیم که با مخالفت شاه و دولت مواجه شد. اما با این وجود در شش ماهه اول برنامه عمرانی سوم، اصلاحات ارضی در قالب انقلاب سفید در ۶ بهمن ۱۳۴۱ توسط محمدرضاشاه اعلام شد، در حالی که در برنامه سوم

برای اجرای آن، نه اعتباری پیش‌بینی شده بود و نه یک چنین تغییری در برنامه بخش کشاورزی لحاظ شده بود (توسعه در ایران ۱۳۸۱: ۳۵۰-۳۵۱). از خاطرات مجیدی و فرمانفرمایان این‌طور برداشت می‌شود که دمکرات‌ها در آمریکا به‌ویژه پس از وقایع خرداد ۱۳۴۲ به دنبال آن بودند که اقدامات بازتوزیعی در جهت کاهش چالش‌های سیاسی و اجتماعی در ایران صورت گیرد. شاه که از این موضوع مطلع بود و برنامه عمرانی سوم و سازمان برنامه را به نوعی در راستای این خواسته دمکرات‌ها در آمریکا قلمداد می‌کرد، می‌خواست اگر قرار است چنین رویکردی در پیش گرفته شود، ابتکار عمل آن با ایران باشد. لذا اصول انقلاب سفید را شخصاً اعلام کرد (نیلی و کریمی ۱۳۹۶: ۶۶). فرمانفرمایان بعدها اعلام کرد: "با اعلام اصول شش‌گانه انقلاب سفید برنامه عمرانی سوم سر زار رفت". در اصول شش‌گانه انقلاب سفید موضوع سپاه‌دانش مطرح شد که در سازمان برنامه، هیچ اعتباری برای آن در نظر گرفته نشده بود. در مورد سپاه‌بهداشت و سپاه‌نوسازی و ترویج نیز وضعیت همین‌گونه بوده است. ملی‌شدن جنگل‌ها و مسئله سهم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها اثراتی بر بخش‌های مختلف می‌گذاشت که در برنامه عمرانی سوم پیش‌بینی نشده بود. در مورد واگذاری سهام کارخانه‌ها هم بخش صنعت کشور به اندازه‌ای نبود که سهام آن واگذار شود و منشا کارشناسی برای واگذاری وجود نداشت (توسعه در ایران ۱۳۸۱: ۲۹۷).

در برنامه عمرانی سوم رشد اقتصادی ۶ درصدی همراه با ثبات اقتصادی، بعنوان هدف اصلی تعیین گردید. نحوه تعیین این میزان رشد ظاهراً براساس پیش‌بینی بر مبنای تجربیات گذشته بوده است. زیرا در گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم، قبل از هدف‌گذاری نرخ رشد ۶ درصد، چنین ذکر شده است: بنابر یک برآورد مقدماتی رشد سالیانه تولید ملی ایران طی سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۸ ش لاقلاً حدود ۶ درصد بوده است (گزارش مقدماتی برنامه سوم ۱۳۴۰: ۸). در این گزارش به سه استراتژی مهم افزایش پس‌انداز داخلی، استفاده موثر از سرمایه‌ها و تحدید موالید اشاره شده است. مشخص است اهداف برنامه سوم با بسیاری از اصول مربوط به انقلاب سفید در یک جهت هستند. بطور مثال در برنامه عمرانی سوم حدود نیمی از اعتبارات برنامه به نواحی روستایی و ۴۰ درصد از کل اعتبارات مندرج در قانون برنامه، به امور اجتماعی اختصاص یافت. به‌صورتی‌که می‌توان برنامه عمرانی سوم را برنامه‌ای در راستای توسعه روستایی و مشارکت اجتماعی دانست که این موارد متناظر با اصول انقلاب سفید از جمله اصلاحات ارضی، سپاه‌دانش، سپاه ترویج و آبادانی، نوسازی شهرها و روستاها، اصلاح قانون انتخابات ایران به‌منظور دادن حق رای به زنان و تحصیلات رایگان و اجباری است. همچنین

استراتژی استفاده موثر از سرمایه ها و اصلاحات اداری در برنامه سوم عمرانی همراستا با اصول انقلاب اداری و انقلاب آموزشی، مبارزه با تورم و گران فروشی، ایجاد خانه های انصاف و شوراهای داوری در انقلاب سفید است، به همین ترتیب راهبرد تحدید موالید در برنامه عمرانی سوم را نیز می توان با اصول ایجاد سپاه دانش، تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدرسه ها و تغذیه رایگان شیرخوارگان تا دوسالگی با مادران و پوشش بیمه های اجتماعی برای همه ایرانیان همراستا دانست. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می رسد که بازه زمانی برنامه عمرانی سوم محدود به پنج سال (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵ ش) بود اما انقلاب سفید طرحی بلندمدت بود که با اجرای برنامه عمرانی سوم تداخل پیدا کرد اما ابعاد آن به سایر برنامه ها نیز کشیده شد و برخی اصول آن تا انقلاب سال ۱۳۵۷ ش ادامه داشت.

۶. نتیجه گیری

پشتوانه نظری انقلاب سفید نظریه ی رشد اقتصادی روستو بود و در برنامه عمرانی سوم از الگوی رشد اقتصادی هارورد- دومار پیروی شد. همان گونه که بیان شد اصلی ترین هدف برنامه عمرانی سوم بعنوان اولین برنامه جامع عمرانی کشور، رسیدن به رشد اقتصادی ۶ درصدی بود. برای این هدف سه راهبرد اساسی (افزایش پس انداز داخلی برای رساندن سهم سرمایه گذاری از تولید ملی به ۱۸ درصد؛ استفاده موثر از سرمایه ها (اصلاحات اداری و سازمانی و اصلاحات مربوط به روابط اجتماعی؛ تحدید موالید) مدنظر قرار گرفت. اجرای برنامه عمرانی سوم کشور، در حقیقت آغاز سرمایه گذاری صنعتی، با تکیه بر استراتژی جایگزینی واردات محسوب میشود. از طرفی چند ماه پس از اجرای برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۵ ش) ۶ اصل (۱. اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب رعیتی، ۲. ملی کردن جنگل ها و مراتع، ۳. فروش سهام کارخانه ها دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی، ۴. سهام کردن کارگران در سود کارخانه ها، ۵. اصلاح قانون انتخابات ایران به منظور دادن حق رای به زنان و حقوق برابر سیاسی با مردان و ۶. ایجاد سپاه دانش) بعنوان اصول (نخستین) انقلاب سفید توسط محمدرضاشاه در زمستان ۱۳۴۱ ش در کنگره کشاورزان معرفی شد در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱ عموم مردم نیز در یک همه پرسی سراسری با این اصلاحات (اصول انقلاب سفید) موافقت کردند. بعد از آن نیز اصولی دیگر به انقلاب سفید اضافه شد (که قانون آن به تایید مجلس ملی و سنا می رسید) بطوریکه تعداد اصول به ۱۹ اصل رسید و اجرای این اصول تقریباً تا سال ۱۳۵۷ ش ادامه داشت. لذا گرچه برنامه عمرانی سوم، برنامه ای محدود و میان مدت (۵ سال)

تأثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۴۵

با اولویت گذاری‌های محدود بود، اما طرح انقلاب سفید برنامه بلندمدت با اهدافی بسیار گسترده‌تر در افقی به مراتب بالاتر از برنامه عمرانی سوم بود.

برنامه عمرانی سوم از محدود برنامه‌هایی است که عملکرد رشد اقتصادی آن از هدف اعلام شده پیشی گرفته است. میانگین رشد اقتصادی این برنامه که از مهر سال ۱۳۴۱ش شروع و در سال ۱۳۴۶ش به پایان رسید تقریباً ۸/۳ درصد بود. در میان برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب، برنامه عمرانی از لحاظ رشد اقتصادی رتبه دوم را دارد. رتبه اول مختص برنامه عمرانی چهارم با ۱۰/۴ درصد رشد است. لذا می‌توان نتیجه گرفت هرچند اصل اساسی اصلاحات ارضی در انقلاب سفید به نوعی مورد توجه طراحان برنامه‌عمرانی سوم قبل از انقلاب سفید قرار گرفته بود، و علیرغم آنکه برای اصول شش‌گانه انقلاب سفید عملاً در برنامه اعتبارات خاصی پیش‌بینی نشده بود، میتوان نتیجه گرفت انقلاب سفید که از زمان تصویب و اجرا شاهد افزایش اصول مورد توجه (از ۶ اصل به ۱۹ اصل در طول زمان) بود، طرحی کلانتر با اهدافی بزرگتر و از نظر زمانی بلندمدت و از نظر سطح در حوزه راهبردی بود و برنامه‌عمرانی سوم از نظر زمانی میان‌مدت (۵ ساله) با اهدافی محدود (رشد اقتصادی ۶ درصد) با راهبردهای ثابت سه‌گانه (افزایش پس‌انداز داخلی، استفاده موثر از سرمایه‌ها و تحدید موالید) بود. اکثر اهداف و اصول برنامه‌عمرانی سوم در چارچوب اصول انقلاب سفید قرار گرفته به نحوی که ارتباط محتوایی زیادی بین اصول انقلاب سفید و برنامه‌عمرانی سوم وجود دارد. هرچند برای اصول انقلاب سفید در برنامه عمرانی سوم اعتباری پیش‌بینی نشده بود اما اکثر اهداف و اصول برنامه‌عمرانی سوم قابل تعریف در ذیل اصول انقلاب سفید بوده به نحوی که ارتباط محتوایی و هم‌راستایی زیادی بین اصول انقلاب سفید و برنامه‌عمرانی سوم وجود دارد. بطور مثال در برنامه عمرانی سوم حدود نیمی از اعتبارات برنامه به نواحی روستایی و ۴۰ درصد از کل اعتبارات مندرج در قانون برنامه، به امور اجتماعی اختصاص یافت. به‌صورتی که می‌توان برنامه عمرانی سوم را برنامه‌ای در راستای توسعه روستایی و مشارکت اجتماعی دانست که این موارد متناظر با اصول انقلاب سفید از جمله اصلاحات ارضی، سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی، نوسازی شهرها و روستاها، اصلاح قانون انتخابات ایران به‌منظور دادن حق رای به زنان و تحصیلات رایگان و اجباری است. همچنین استراتژی استفاده موثر از سرمایه‌ها و اصلاحات اداری در برنامه سوم عمرانی هم‌راستا با اصول انقلاب اداری و انقلاب آموزشی، مبارزه با تورم و گران‌فروشی، ایجاد خانه‌های انصاف و شوراهای داوری در انقلاب سفید است، به همین ترتیب راهبرد تحدید موالید در برنامه‌عمرانی سوم را نیز می‌توان با اصول ایجاد سپاه دانش،

تغذیه رایگان برای کودکان خردسال در مدرسه‌ها و تغذیه رایگان شیرخوارگان تا دوسالگی با مادران و پوشش بیمه‌های اجتماعی برای همه ایرانیان همراستا دانست. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که بازه زمانی برنامه عمرانی سوم محدود به پنج‌سال (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵ش) بود اما انقلاب سفید طرحی بلندمدت بود که با اجرای برنامه عمرانی سوم تداخل پیدا کرد اما ابعاد آن به سایر برنامه‌ها نیز کشیده شد و برخی اصول آن تا انقلاب سال ۱۳۵۷ش ادامه داشت. بنابراین این دو طرح به نوعی هم‌سو بوده‌اند و به همین خاطر گرچه با طرق مختلف اما در یک جهت، دولت (بعنوان تدوین‌کننده برنامه عمرانی سوم) و محمدرضاشاه (بعنوان پیشنهاد دهنده انقلاب سفید) حرکت کرده‌اند. اگر دولت در راهبردهای پس‌انداز داخلی و تحدید موالید و نیز هدف رشد اقتصادی در برنامه سوم موفق بوده در اصول متناظر انقلاب سفید نیز موفق بوده است و اگر اصلی در اصول انقلاب سفید (مانند اصلاحات ارضی) با مشکلاتی نظیر مهاجرت روستائیان به شهر و کاهش جمعیت روستایی به واسطه خرده مالکیت و عدم توانایی در بهره‌برداری از اراضی روبرو شده‌است هدف متناظر آن در برنامه عمرانی سوم (توسعه روستایی) نیز با مشکل و عدم موفقیت همراه بوده است. نتایج عملکرد برنامه عمرانی سوم نشان می‌دهد که تداخل آن با انقلاب سفید، تاثیر مثبتی داشته است و این تداخل قدرت‌های تأثیرگذار در حاکمیت را بر آن داشت تا برای تحقق اهداف تعیین شده هر دو طرح (برنامه عمرانی سوم و انقلاب سفید) تلاش کنند.

شیوه ارجاع به این مقاله

امیدی، نبی. (۱۴۰۱). تاثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر اجرای برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱ش). (تحقیقات تاریخ اجتماعی (۲) ۱۲
doi: 10.30465/shc.2023.43278.2420

کتاب‌نامه

اشرف، احمد (۱۳۸۳)، از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی، ترجمه محمدرسالار کسرابی، پژوهشنامه متین ۶(۲۲)، ۱۴۱-۱۰۹.
اکبری، محمدعلی؛ لیلای مهرآبادی، سعید (۱۳۸۹). تأثیر برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶ - ۱۳۴۱) در کشاورزی ایران، مجله علمی و پژوهشی تاریخ ایران، ۳(۲)، ۲۲-۱.

تاثیر تداخل انقلاب سفید در دوره پهلوی بر ... (نبی امیدی) ۴۷

- امیدی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۱۷ (۴): ۹۷-۱۱۴.
- ایزدی، رجب؛ حیدرپور اینانلو، مرتضی (۱۳۹۴). بررسی پیامدهای برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی دوره پهلوی اول و دوم و نقش آن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۴ (۲): ۱-۲۷.
- آبادیان، حسین (۱۳۹۷). اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۸ (۲): ۱-۲۰.
- آذر، عادل؛ امیرخانی، طیبه (۱۳۹۵). سیاه چاله‌های بودجه در نظام بودجه‌ریزی ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، ۸ (۴): ۵۷۱-۵۹۰.
- خرمشاد، محمد باقر؛ موسی نژاد، محمد جواد (۱۳۹۶). دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو، فصلنامه علوم اجتماعی ۲۴ (۷۶): ۱۷۴-۱۴۵.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفراشراقی.
- قانون برنامه سوم توسعه عمرانی کشور، مصوب ۱۳۴۱/۰۶/۲۱ (۱۳۴۱).
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۰). اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران، نشر نی.
- سازمان برنامه (۱۳۴۷). گزارش عملکرد برنامه سوم عمرانی، امور اقتصادی، انتشارات سازمان برنامه.
- سازمان برنامه (۱۳۴۰). گزارش مقدماتی برنامه سوم توسعه عمرانی، انتشارات سازمان برنامه.
- گودرزی، منوچهر؛ فرمانفرمائیان، خداداد؛ مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱). توسعه در ایران: ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، تهران. نشر گام.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۲). موج دوم: تجدد سازی آمرانه در ایران؛ تاریخ برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم، تهران، انتشارات نیلوفر.
- مک لئود، تاس اچ (۱۳۷۹). برنامه ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم، تهران، نشر نی.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- نراقی، یوسف (۱۳۷۳). توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته، چاپ دوم، تهران، انتشارات بی‌جا.
- هوگلاند، اریک (۱۴۰۰). زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، انتشارات شیرازه.
- یاراحمدی، معصوم (۱۳۹۹). انقلاب سفید و گسترش نظام آموزش عالی؛ چالش‌ها و تعارض‌ها (۱۳۴۲-۱۳۵۷)، فصلنامه پژوهش در آموزش تاریخ، ۱ (۱): ۱-۱۹.